



آشنایی با هنرمند:

لیدا سعیدیان

ترجمه هایی از

غزلیات شمس

به زبان انگلیسی

لیدا سعیدیان مدرس هنرهای زیبا و موسیقیدان در ایالت ویرجینیا از سال ۱۹۹۵ تا کنون به مطالعه و تحقیق در مورد زندگی مولانا و شمس تبریزی پرداخته، گزیده ای از مقالات شمس تبریزی و نیز حدود ۴۰۰ رباعی و تعدادی از غزلیات مولانا را به انگلیسی ترجمه کرده است.

لیدا سعیدیان در بیوگرافی خود می نویسد:

"من در یک خانواده یهودی در تهران به دنیا آمدم. پدر و مادرم هر دو از صدای خوشی برخوردار بودند و علاقه مفراطی به آواز اصیل ایرانی داشتند. من از همان دوران طفولیت بوسیله زمزمه های روزانه ایشان با موسیقی ایرانی و شعر پارسی آشنایی پیدا نمودم. در دوران دبیرستان، هنگام یک بحران شدید در زندگیم، چند بیت از مثنوی معنوی مولانا مانند فرشته ای نگهبان مرا از یأس به امید، و از تاریکی به نور رهنمون شد. از آن زمان بود که حس کردم اتصالی مستقیم با مولانا پیدا کرده ام. "بعد از اخذ دیپلم به اسرائیل سفر کردم و در دانشگاه خیفا شروع به تحصیل در رشته هنرهای زیبا نمودم. روزی در کتابخانه دانشگاه بر حسب اتفاق کتابی را پیدا کردم که

اشعار عمر خیام را به سه زبان ترجمه کرده بود: انگلیسی، فرانسه، و اردو. آنجا بود که با وجود آشنایی ساده ای که در آن هنگام به زبانهای انگلیسی و فرانسه داشتم، متوجه شدم که کار ترجمه چه حرفه ظریفی است و چه سریع میتواند به بیراهه رود. بعد از اتمام تحصیل به ایران مراجعت کردم. علاقه شدید من به آواز باعث شد که در مرکز حفظ و اشاعه موسیقی نزد مرحوم محمود کریمی شروع به یادگیری ردیف موسیقی سنتی و اصیل ایرانی کنم. دو سال بعد از آن برای ادامه تحصیل به آمریکا آمدم و مدرک فوق لیسانس را در هنرهای زیبا (عکاسی) از دانشگاه لانگ آیلند اخذ کردم. پس از آن نزد زنده یاد محمد رضا لطفی به یادگیری ردیف آوازی ادامه دادم. ایشان بسیاری از اشعار مولانا را روی ساخته های خود تنظیم کردند که باعث آشنایی بیشتر من با این اعجوبه عرفانی و پیامبر عشق شد."

آرمان: نمونه هایی از ترجمه های لیدا سعیدیان از غزلیات شمس به زبان انگلیسی که در سال ۲۰۱۷ در کتاب THE POCKET RUMI منتشر شده در SHAMBHALA PUBLICATIONS آمده اند. انتشار این ترجمه ها در آرمان به معنای تایید کامل آنها نیست.

CONVERSATIONS WITH SHAMS, DAY AND NIGHT

در هوایت بیقرارم روز و شب

سر ز پایت بر ندارم روز و شب

Yearning for you, I'm restless, day and night.

I won't give up pursuing you, day and night.

روز و شب را همچو خود مجنون کنم

روز و شب را کی گذارم روز و شب

I'll make day and night crazy, just like myself!

How can I let day and night be day and night?

جان و دل از عاشقان میخواستند

جان و دل را میسپارم روز و شب

Are they asking the lovers for their heart and soul?

I surrender my heart and soul, day and night.

تا نیابم آنچه در مغز منست
یک زمانی سر نخارم روز و شب

Until I find the thing that is in my mind,

I won't scratch my head, day and night.

تا که عشقت مطربی آغاز کرد
گاه چنگم گاه تارم روز و شب

Ever since your love became the musician,

at times I'm a harp, at times a lute, day and night.

میزنی تو زخمه و بر میرود
تا به گردون زیر و زارم روز و شب

You keep plucking, and my cries and lamentations

rise to the firmaments, day and night.

ساقی کردی بشر را چل صبح
زان خمیرت درخمارم روز و شب

You served as the cupbearer of humanity, awhile.

By your fermented wine, I'm drunk, day and night.

ای مهار عاشقان در دست تو
در میان این قطارم روز و شب

O you, who hold the leash of the lovers,

I too am in this caravan, day and night.

میکشم مستانه بارت بیخبر
همچو اشتر زیر بارم روز و شب

I carry your load in ecstasy and selflessness.

Like a camel, I'm under a load, day and night.

تا بنگشایم به قندت روزه ام
تا قیامت روزه دارم روز و شب

If I won't break my fast with your sweet presence,

I'll fast until the Day of Judgement, day and night.

تا به خوان فضل روزه بشکنم
عید باشد روزگارم روز و شب

When I'll break my fast in the banquet of grace,

my time shall be a feast, day and night.

جان روز و جان شب ای جان تو
انتظارم انتظارم روز و شب

Your soul is the soul of the day and the night.

I'm awaiting, I'm awaiting, day and night.

تا به سالی نیستم موقوف عید
با مه تو عیدوارم روز و شب

I won't wait a whole year for the New Year to arrive.

Seeing your moon-face is my New Year, day and night.

زان شبی که وعده کردی روز وصل
روز و شب را میشمارم روز و شب



Since the night that you promised the day of union,

I count the days and the nights, day and night.

بس که کشت مهر جانم تشنه است
زابر دیده اشکبارم روز و شب

My soul's farm of Love is so parched,
that the clouds of my eyes shed tears, day and night.

COVERTLY AS A THIEF

دزدیده چون جان می روی اندر میان جان من

سرو خرامان منی ای رونق بستان من

Covertly as a thief, you penetrate the soul of my soul.

For me, you are lushness in motion, causing orchards to thrive.

چون می روی بی من مرو ای جان جان بی تن مرو

وز چشم من بیرون مشو ای شعله تابان من

Leaving, don't leave without me. O soul of soul, don't leave your body.

Don't you ever leave my sight, O my everlasting flame.

هفت آسمان را بردرم وز هفت دریا بگذرم

چون دلبرانه بنگری در جان سرگردان من

I will ascend the seven skies, I will pass over the seven seas,

if you would give a loving glance upon my wandering soul.

تا آمدی اندر برم شد کفر و ایمان چاکرم

ای دیدن تو دین من وی روی تو ایمان من

Ever since you came to me, blasphemy and faith became my slaves.

Seeing you is my religion, your face is my faith.

بی پا و سر کردی مرا بی خواب و خور کردی مرا

سرمست و خندان اندر آ ای یوسف کنعان من

You made me lose myself. You robbed me of my sleep and appetite.

Show up all ecstatic and smiling, my handsome Joseph of Cna'an.

از لطف تو چو جان شدم وز خویشتن پنهان شدم

ای هست تو پنهان شده در هستی پنهان من

By your kindness I became a soul, hidden even to myself.

Then, your existence became hidden in my hidden existence.

گل جامه در از دست تو ای چشم نرگس مست تو

ای شاخ ها آبست تو ای باغ بی پایان من

Flowers pop open because of you. The daffodils' eyes are drunk by you.

Every branch is impregnated by you. You are my infinite garden.

یک لحظه داغم می کشی یک دم به باغم می کشی

پیش چراغم می کشی تا وا شود چشمان من

One moment you set me on fire, one moment you pull me to the garden.

You draw me toward the lamp, so my eyes will open.

ای جان پیش از جان ها وی کان پیش از کان ها

ای آن پیش از آن ها ای آن من ای آن من

You are the pre-eternal soul of souls, you are the mine of mines.

You are the pre-eternal *il*. You are mine, you are mine.

منزلگه ما خاک نی گر تن بریزد باک نی

اندیشه ام افلاک نی ای وصل تو کیوان من

The earth is not my homeland. If I'll ever shed my body, no fear.

The firmaments aren't my concern. I aim for union with you.

مر اهل کشتی را لحد در بحر باشد تا ابد

در آب حیوان مرگ کو ای بحر من عمان من

Those who sail the seas, always die and get buried in the sea.

But, how can one ever die in the water of life, O my sea, my ocean?